

خبر

انتقال مؤسسه اعتباری نور به بانک ملی ایران؛

تجربه‌ای موفق در مسیر تأمین منافع ملی و حفظ امنیت اقتصادی مردم

در حرکتی متکی بر خرد جمعی و در چارچوب سیاست‌های کلان اقتصادی نظام، انتقال مؤسسه اعتباری نور به بانک ملی ایران با موفقیت به انجام رسید. این اقدام راهبردی که با هدایت و نظارت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران محقق شد، نمونه‌ای برجسته از عزم جدی حاکمیت برای سالم‌سازی اقتصاد و صیانت از سرمایه‌های مردمی است.

پشتوانه قانونی و حمایت مقامات عالی نظام: این انتقال بزرگ، مبتنی بر مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی (متشکل از سران سه قوه) و در چارچوب قانون جدید بانک مرکزی انجام پذیرفت. این امر به‌وضوح نشان می‌دهد که قوای سه‌گانه کشور با وحدت رویه و در راستای منافع ملی، بر حل چالش‌های اقتصادی متمرکز شده‌اند.

تضمین امنیت مالی آحاد مردم؛ اولویت نخست: حفظ ارزش پول مردم و تضمین دسترسی بی‌دغدغه آنان به سپرده‌هایشان، محور اصلی این انتقال بود. بیش از ۳۳ هزار میلیارد تومان سپرده مردم در مؤسسه نور به سلامت به بانک ملی ایران منتقل شد و کوچک‌ترین خللی در فرایند خدمات‌رسانی به وجود نیامد. این موفقیت، آرامش و اعتماد عمومی را به همراه داشت.

مهار تورم و تقویت اقتصاد ملی: با این اقدام، حجم عظیمی از ناترازی که به صورت بالقوه می‌توانست به پایه پولی و نقدینگی کشور فشار وارد کند و به رشد تورم دامن بزند، مهار شد. بنابراین، این انتقال را باید خدمتی مستقیم به تمامی آحاد جامعه، به‌ویژه اقشار کم‌درآمد و ثروت‌های خرد دانست که همواره بیشترین آسیب را از تورم متحمل می‌شوند.

الگویی برای ساماندهی آینده نظام بانکی: تجربه موفق انتقال مؤسسه نور، الگویی عملیاتی و کارآمد را در اختیار نظام بانکی کشور قرار داد. این مدل که برای اولین بار با عنوان «خرید و تعهد» اجرا شد، اثبات کرد که می‌توان با کمترین هزینه و بیشترین کارایی، بحران‌های بالقوه بانکی را مدیریت و منافع ملی و مردمی را تأمین کرد. **سخن پایانی:** انتقال مؤسسه اعتباری نور به بانک ملی ایران، فراتر از یک رویداد داخلی در نظام بانکی، حرکتی حکیمانه و آینده‌گرانه در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی بود. این اقدام، عزم جدی مسئولان برای ایجاد ثبات اقتصادی و عملیاتی‌کردن شعارهای مردمی را به نمایش گذاشت و گامی بلند در راستای افزایش اعتماد عمومی به مدیریت کلان اقتصادی کشور محسوب می‌شود.

یادداشت

هوشمندسازی شهرها؛ راهی پایدار برای کاهش ترافیک و آلودگی هوا

حسین منصورکاظمی

کارشناس اقتصادی و شهری

در سال‌های اخیر، با افزایش جمعیت شهری و رشد سریع خودروهای شخصی، مسئله ترافیک و آلودگی هوا به یکی از چالش‌های اصلی مدیریت شهری در ایران و جهان تبدیل شده است. آمارها نشان می‌دهد بخش حمل‌ونقل سهم درخور توجهی در انتشار آلاینده‌ها دارد؛ به‌گونه‌ای که در برخی کلان‌شهرها بیش از ۷۰ درصد آلودگی هوا ناشی از تردد وسایل نقلیه است. در چنین شرایطی، حرکت به سمت هوشمندسازی حمل‌ونقل شهری یکی از مؤثرترین راهکارها برای کنترل ترافیک، کاهش آلاینده‌ها و افزایش بهره‌وری شهری محسوب می‌شود. هوشمندسازی شهرها، مفهومی فراتر از نصب چند چراغ راهنمایی هوشمند یا سامانه کنترل ترافیک است. این رویکرد، ترکیبی از فناوری اطلاعات، داده‌های بزرگ (Big Data)، اینترنت اشیا (IoT) و هوش مصنوعی (AI) را به کار می‌گیرد تا مدیریت شهری را از حالت سنتی به الگویی علمی و داده‌محور تبدیل کند. در بسیاری از شهرهای پیشرفته دنیا ازجمله سئول، سنگاپور و آمستردام، سیستم‌های مدیریت هوشمند توانسته‌اند تا ۳۰ درصد از حجم ترافیک را کاهش داده و مصرف سوخت را به شکل محسوسی پایین بیاورند. به عنوان نمونه، در شهر سئول با استفاده از سامانه‌های هوشمند کنترل تقاطع‌ها، مدت زمان انتظار خودروها در چراغ قرمز تا ۲۳ درصد کاهش یافته است. در دویبی نیز سیستم هوشمند ردیابی ناوگان تاکسی‌ها با تحلیل داده‌های تردد توانسته مسیرهای پرترافیک را شناسایی و بهینه کند؛ نتیجه آن کاهش ۱۵ درصدی میانگین مصرف سوخت و صرفه‌جویی سالانه میلیون‌ها دلار بوده است. در ایران نیز ظرفیت بالایی برای پیاده‌سازی چنین طرح‌هایی وجود دارد. سامانه‌های نظارت تصویری، کنترل ترافیک هوشمند، مدیریت هوشمند پارکینگ‌ها و اپلیکیشن‌های حمل‌ونقل عمومی ازجمله ابزارهایی هستند که می‌توانند با اتصال به پایگاه‌های داده شهری، تصویر دقیقی از وضعیت لحظه‌ای ترافیک ارائه دهند. تلفیق این داده‌ها با فناوری GIS (سامانه اطلاعات مکانی) به مدیران شهری کمک می‌کند تا تصمیم‌های مبتنی بر تحلیل داده بگیرند؛ تصمیم‌هایی که می‌تواند زمان سفر را کاهش دهد، نقاط گلوگاهی ترافیکی را شناسایی کند و برنامه‌ریزی بهینه‌تری برای ناوگان حمل‌ونقل عمومی فراهم آورد. اما هوشمندسازی شهر فقط به بعد فنی محدود نمی‌شود؛ اثرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی آن نیز بسیار گسترده است. کاهش زمان سفر روزانه، صرفه‌جویی در سوخت، کاهش هزینه‌های تعمیر خودرو و جلوگیری از هدررفت وقت شهروندان ازجمله پیامدهای اقتصادی این رویکرد است. از سوی دیگر، کاهش آلاینده‌های مانند ذرات معلق (PM2.5) و اکسیدهای نیتروژن، به بهبود سلامت عمومی و کاهش هزینه‌های درمانی منجر می‌شود.

از دیدگاه روان‌شناختی نیز کاهش استرس و خستگی ناشی از ترافیک، تأثیر مستقیمی بر کیفیت زندگی شهروندان دارد. شهر هوشمند، شهری است که با بهره‌گیری از فناوری، زمان و آرامش را به شهروندان بازمی‌گرداند و تجربه‌ای انسانی‌تر از زندگی شهری خلق می‌کند. بااین‌حال، تحقق چنین چشم‌اندازی نیازمند زیرساخت‌های دیجیتال قوی، همکاری نهادهای و سرمایه‌گذاری پایدار است. مشارکت میان شهرداری‌ها، سازمان‌های حمل‌ونقل، شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌های فناوری، می‌تواند ضامن موفقیت پروژه‌های هوشمندسازی شهری باشد. همچنین، توسعه فرهنگ استفاده از حمل‌ونقل عمومی، دوجرحه‌های اشتراکی و خدمات حمل‌ونقل بر پایه اپلیکیشن‌های بومی، گامی مؤثر در کاهش وابستگی به خودروهای شخصی است. کارشناسان تأکید دارند که سیاست‌گذاری در حوزه شهر هوشمند باید فراتر از اقدامات مقطعی و نمایشی باشد. ایجاد مرکز داده شهری یکپارچه، بهره‌گیری از هوش مصنوعی برای پیش‌بینی وضعیت ترافیک و طراحی سامانه‌های هشدار سریع در مواقع اضطرار (مانند آلودگی شدید هوا یا انسداد مسیرها) ازجمله اقداماتی است که می‌تواند اثرگذاری برنامه‌های هوشمندسازی را افزایش دهد. در نهایت، هوشمندسازی حمل‌ونقل شهری فقط یک پروژه فناوری‌انه نیست، بلکه تحولی بنیادین در شیوه مدیریت شهر است. شهری که با داده تصمیم می‌گیرد، با شهروندان ارتباط مؤثر برقرار می‌کند و برای حفظ محیط زیست برنامه دارد، می‌تواند الگویی از مدیریت شهری پایدار، کارآمد و انسانی ارائه دهد. آینده شهرهای ایران نیز در گرو تصمیم‌های امروز ماست؛ تصمیم‌هایی که اگر هوشمندانه اتخاذ شوند، می‌توانند مسیر توسعه شهری را به سوی هوایی پاک‌تر، ترافیکی روان‌تر و کیفیت زندگی بالاتر هدایت کنند.



گزارشی درباره انحلال بانک آینده که وارث سیاست‌گذاری‌های اشتباه بانکی است

پایان «آینده»؟

رورد بابک زنجانی به گود بانک آینده گمانه‌زنی کردند. حالا دوباره خبر انحلال بانک آینده به صورت گسترده منتشر شده است و رسانه‌ها نوشته‌اند که از شنیه سردر بانک آینده تعویض و این بانک با بانک ملی ادغام می‌شود. هرچند بانک ملی و بانک آینده این اخبار را رد نکرده‌اند، اما به نظر می‌رسد سهامداران بانک آینده همچنان در تلاش هستند مانع جلوگیری از انحلال بانک شوند؛ گرچه به نظر می‌رسد انحلال بانک از هفته آینده به صورت جدی کلید می‌خورد.

به دلیل نبود عملکرد نظارتی مناسب از سوی بانک مرکزی، همواره نظام بانکی مستعد خلق بحران بوده است؛ چراکه بانک مرکزی با تعلل مداوم در برخورد بهنگام با بانک‌های متخلف، ابتدا اجازه شکل‌گیری بحران و سپس اجازه تداوم فعالیت و در نهایت اجازه رشد و بزرگ‌شدن به این بانک‌ها را تا جایی ادامه می‌دهد که این بانک‌ها به دلیل سهم بالایی که در اقتصاد پیدا می‌کنند، می‌توانند اثرات دومینویی در اقتصاد ایجاد کنند و برخورد با آنها بسیار پرهزینه می‌شود.

نمونه بارز این موضوع، بانک آینده بوده است که در دوره عملکرد خود از مسیر بانکداری خارج و در مسیر بنگاهداری قرار گرفت. از طرفی، این بانک با خلق سهم حدود ۲۶ درصدی از کل نقدینگی کشور، منافع سهامداران خود را از طریق خلق نقدینگی و تحمیل تورم به کل جامعه تأمین می‌کرد.

نمونه دیگر آن، انحلال مؤسسه کاسپین بود که منجر به خلق نقدینگی توسط بانک مرکزی برای پاسخ به مشکریان این مؤسسه شد که عملاً با ایجاد تورم، هزینه‌های انحلال آن از جیب مردم پرداخت شد.

زبان سپرده‌گذاران از جیب سهامداران پرداخت شود

بااین‌حال، در برنامه هفتم توسعه، با درس‌گیری از مشکلات ایجادشده ناشی از انحلال مؤسسه کاسپین، برای موضوع انحلال بانک‌ها تمهیداتی قانونی اندیشیده شده که عملاً منجر به درونی‌شدن آثار منفی ناشی از عملکرد بانک‌های متخلف شده است.

مطابق بند چ ماده ۸ قانون برنامه هفتم توسعه، جبران تعهدات و پرداخت بدهی‌های مؤسسات اعتباری در حال گزیر، به ترتیب از محل‌های زیر انجام می‌شود:

۱- در صورت تشخیص تقصیر، از محل دارایی‌های سهامداران مقصر یا مدیران مقصر براساس ترتیبات مندرج در تبصره (۱) این بند، با اولویت سهام در مؤسسه اعتباری، سایر حقوق در مؤسسه اعتباری و سایر دارایی‌ها با رعایت جزء (۲) تبصره (۲) این بند

۲- دارایی‌های مؤسسه اعتباری در حال گزیر ازجمله دارایی‌های موضوع جزء (۱) تبصره (۲) این بند

۳- سهام و سایر حقوق سهامداران غیرمقصر

تبصره ۱- مرجع تشخیص تقصیر سهامداران مقصر یا مدیران مقصر، شعبه ویژه رسیدگی به اختلافات بانکی موضوع ماده (۳۵) قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است.

میزان مسئولیت هریک از سهامداران مقصر یا مدیران مقصر در جبران تعهدات و پرداخت بدهی‌های مؤسسه اعتباری، با توجه به مسبب یا غیرمسبب‌بودن وی، توسط شعبه مذکور تعیین می‌شود.

تبصره ۲- در موارد زیر دادستان کل کشور و دادستان‌های مراکز استان‌ها مکلف‌اند بلافاصله پس از اعلام بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران یا مدیر گزیر، دارایی‌های مورد نظر را توقیف نمایند:

۱. دارایی‌هایی که سند آنها به نام مؤسسه اعتباری در حال گزیر (راهکار قانونی برای مدیریت مؤسسات مالی دچار ناترازی) نیست، اما بانک مرکزی یا مدیر گزیر مبتنی بر قرائن و اماراتی و با تأیید دادستان کل کشور یا دادستان مرکز استان مدعی هستند که دارایی‌های مزبور در واقع متعلق به سهامداران یا مدیران مذکور می‌باشد. هرگونه معامله و نقل و انتقال دارایی‌های مذکور از زمان اعلام بانک مرکزی یا مدیر گزیر به دادستان کل کشور یا دادستان مرکز استان و تأیید آنها تا زمان صدور حکم قطعی دادگاه، ممنوع و نفوذ آن معلق است. قوه قضائیه مکلف است تمهیداتی را فراهم نماید تا به پرونده‌های موضوع این بند با رعایت سایر موارد اهم لازم‌الرعایه با قید فوریت رسیدگی شود. براساس تبصره ۳ نیز به انتهای بند الف ماده (۱) قانون مجازات اخلاکران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ اصلاحاتی اضافه کرده است مبنی بر اینکه الحاقات بعدی عبارت و هرگونه تبانی در پرداخت تسهیلات کلان بانکی، ازجمله تأمین مالی ترجیحی برای سهامداران خصوصی و سایر اشخاص مرتبط با مؤسسات اعتباری (موضوع بند ز ماده (۱) قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران) و عدم بازپرداخت تسهیلات کلان بانکی اضافه می‌شود.

کامران ندری، کارشناس بانکی، به «شرق» می‌گوید لازم است با وجود بسترهای قانونی موجود در برنامه هفتم توسعه و از سویی با حمایت قوه قضائیه، بدهی‌های این بانک از طریق دارایی سهامداران آن پرداخت شود؛ چراکه به گفته این کارشناس، در غیر این صورت هزینه‌های انحلال این بانک از طریق حمایت‌های بانک مرکزی در قالب خلق پول خواهد بود که عملاً منجر به تنبیه عموم مردم به نفع اقلیتی از سهامداران خواهد شد.

یادداشت

از عرضه‌محوری تا تقاضا محوری؛ بازاندیشی توسعه صنایع خلاق

محمد امین صعودی، صنایع خلاق و فرهنگی، یکی از سریع‌ترین بخش‌های در حال رشد اقتصاد جهانی هستند. گزارش اخیر UNCTAD (Creative Economy Outlook 2024) نشان می‌دهد که سهم صنایع خلاق از تجارت جهانی بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار است و نرخ رشد آن در بسیاری از کشورها از متوسط رشد کالاهای سنتی فراتر رفته است. در چنین زمینه‌ای، پریش اساسی این است: چرا سهم ایران از این بازار بزرگ، با وجود ظرفیت‌های عظیم فرهنگی و هنری، همچنان ناچیز است؟ در سال‌های اخیر، اصطلاح «اقتصاد خلاق» در ایران بارها تکرار شده است؛ از اسناد سیاستی تا برنامه‌های حمایتی. با این حال، واقعیت میدانی نشان می‌دهد که بخش درخور توجهی از استراتژی‌ها در ایران بر عرضه‌محوری (Supply-Side) متمرکز بوده‌اند؛ یعنی بیشتر اقدامات حول محور حمایت‌های مالی، ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی، آموزش و توانمندسازی هنرمندان و تولید آثار شکل گرفته است. این اقدامات هرچند ارزشمندند، اما به‌تنهایی کافی نیستند و به‌پاشنه‌آشیل صنایع خلاق ایران تبدیل شده‌اند.

چرا عرضه‌محوری ناکافی است؟

مدل عرضه‌محور در عمل باعث انباشت محصول بدون بازار شده است. صنایع دستی و آثار هنری تولید می‌شوند اما مسیر تجاری‌سازی و فروش آنها محدود باقی می‌ماند. از سوی دیگر، وابستگی بیش از حد به حمایت‌های دولتی، انگیزه بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در بازارسازی و نوآوری را کاهش داده است.

وضعیت ایران: غلبه رویکرد عرضه‌محور

در ایران، استراتژی‌های سیاست‌گذاری و حتی نگاه فعالان بخش خصوصی و هنرمندان، عموماً عرضه‌محور بوده است. در این رویکرد، اولویت با اقداماتی مانند موارد زیر بوده است.

- حمایت‌های مالی و یارانه‌ای:** ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی (شهرک‌های صنایع دستی، مراکز فرهنگی و نمایشگاهی)،
- آموزش و توانمندسازی هنرمندان و تولیدکنندگان:** حمایت از تولید آثار هنری، این اقدامات ارزشمندند، اما بدون بازار فعال و تقاضای پایدار، نتیجه‌ای جز انباشت محصول بدون خریدار و اتساک دائمی به حمایت‌های دولتی در پی نخواهد داشت.

تجربه جهانی: آغاز از تقاضا

در مقابل کشورهایی پیشرو در اقتصاد خلاق نشان داده‌اند که توسعه پایدار این حوزه از سمت تقاضا (Demand-Side) آغاز می‌شود.

- کره جنوبی:** راهبر «موج کره‌ای» (Hallyu) بر بازاریابی جهانی موسیقی و سریال‌ها بنا شد. ابتدا مخاطب جهانی ایجاد شد و سپس ظرفیت تولید برای پاسخ به این تقاضا رشد کرد. **• انگلستان:** سیاست Creative Britain با محوریت برندسازی و صادرات خدمات خلاق آغاز شد و نتیجه آن، حضور پررنگ برندهای طراحی، موسیقی و مد در بازارهای جهانی بود. **• چین:** با تمرکز بر پلتفرم‌های دیجیتال و بازاریابی بین‌المللی، ابتدا شبکه مصرف‌کننده را فعال کرد و سپس تولید و نوآوری داخلی را متناسب با آن تقویت کرد. **• هند:** صنایع دستی و سینمای بالیود از طریق مشارکت در نمایشگاه‌های جهانی و سرمایه‌گذاری در بازاریابی بین‌المللی توانستند تقاضای خارجی را برانگیزند و بعد زنجیره عرضه را گسترش دهند.

پیامدهای عرضه‌محوری در ایران

- انباشت محصولات بدون بازار:** حجم بالایی از صنایع دستی و آثار هنری تولید می‌شود، اما در نبود تقاضای کافی، بسیاری از آنها به فروش نمی‌رسند. ۲. **وابستگی به حمایت‌های دولتی:** تولیدکنندگان برای بقا چشم به یارانه‌ها دارند، نه بازار. ۳. **قفلان استراتژی صادرات محور:** ایران سهم بسیار کمی از بازار جهانی صنایع خلاق دارد، درحالی‌که کشورهایی هم‌سطح (مثل ترکیه یا هند) حضور پررنگی در این حوزه دارند. ۴. **غفلت از تجربه مخاطب:** درحالی‌که دنیا به سمت storytelling، طراحی تجربه و بازاریابی دیجیتال رفته، محصولات ایرانی اغلب بدون روایت و بسته‌بندی مناسب عرضه می‌شوند.

اقتصاد خلاق، بیش از آنکه بر تولید استوار باشد، بر بازار و تجربه مصرف‌کننده بنا شده است. ایران با ادامه عرضه‌محوری، همچنان در چرخه تولید بدون مصرف گرفتار خواهد ماند. اگر می‌خواهیم از ظرفیت عظیم فرهنگی خود بهره ببریم، باید مسیر جهانی را پیسیم؛ ابتدا تقاضا را برانگیزیم، سپس زنجیره ارزش را تکمیل کنیم.